

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۳ جولای ۲۰۲۰

تلوارِ عسریان

هسروم، مرا با دیگران، پنی هسراسان یشوی
خشین و تفرین و غنځب، چون رعد و طوفان یشوی
الفت اگر کیرم به تو، ناز خود افزون میکنی
غاموش نامم اندک، از من گیران یشوی
ما را نه تیر و نه کمان، نه صید و نه صیاد دل
اما به قتل عاشقان، صادر، چو فرمان یشوی
بر شمع بزم این و آن، پروانه سان سوزی ولی
بر چشم ما چارکان، خار معیلمان یشوی
اسامی خوبان اگر، آرم به اشعار ترم
بر خنجرم چون خنجر و تلوارِ عسریان یشوی
بین دو سنگ آسیا، چون کسدم انداخته
خورد و خمیرم کرده و دست و گریبان یشوی
که دل به دیا نازی، در سید که پنهان شوی
فتمان کج دار و ولی، هسرو مرکز مرزبان یشوی
در عشق چشمانم چسرا؟ کوئی که مانم تا ابد
دانم به اندک فرصتی، فوراً پشیمان یشوی
پینامهای عاشقی، با دیگران، رذ و بدل
نوبت با کرمیرسد، عامل به قهرآن یشوی
دیگر نیلدم نام تو برخسده اشعار خود
آن راو تو، این راو من، تا مثل آسان یشوی
خواهی که بانام غلط، هم رزم و هم بزم شوی
من مستعدی نیستم، از حق چه پنهان یشوی
مستغور من دیوار بود، اما بیان کردم به در
تا کس نداند نام این عشقی که متبمان یشوی
ای در! پش از کرم، «نعمت» مزاحم کر شدی
دیوار بی تصدب را، کرکچ و سیمان یشوی